

# آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره)

دکتر محمدرضا دهشیری<sup>۱</sup>

یکی از معضلات نظری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی هدف محور<sup>۲</sup>، رفع تضاد میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی می‌باشد. برای رفع این مهم، راه حل‌های گوناگونی مانند نظریه‌ی انترناسیونالیسم اسلامی، تز حکومت عملی اسلام، آموزه‌ی ام‌القری، قواعد وسع و تدرج و نظریه‌ی طولی مطرح گردیده است. این نظریات گرچه حصه‌یی از واقعیت و حقیقت را در هم آمیخته‌اند اما از آن لحاظ که براساس برداشت‌های ذهنی اقدام به نظریه‌پردازی نموده‌اند، در رفع محل نزاع توفیق نیافته‌اند. آنچه می‌تواند دانش‌پژوهان را در این مهم یاری بخشد درک و تفهم اندیشه‌های معماران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به ویژه قائد عظیم‌الشأن آن امام خمینی (ره) می‌باشد. از این‌رو، نوشتار حاضر ضمن تبیین الگوی «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با الهام از کلام آن امام همام، سعی در امتزاج میان اهداف آرمانی و منافع ملی به عنوان دو عنصر تناقض‌نا<sup>۳</sup> دارد.

در این راستا، ابتدا به بیان شاخص‌های واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی اهتمام می‌شود تا از

۱. محمدرضا دهشیری، استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج و دانشگاه امام صادق (ع) است.

2. Teleological

3. Paradoxical

این رهگذر الگوی تلفیقی «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» (و نه واقع‌گرایانه) مورد مذاقه قرار گیرد و در نهایت بیانات امام خمینی (ره) به عنوان شاهدهی بر مدعای نگارنده ذکر می‌گردد.

### الگوی «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» در سیاست خارجی

الگوی «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» را می‌توان نوعی نهادگرایی<sup>۱</sup> دانست که ضمن تأکید بر صلح‌گرایی نهادینه، بهره‌گیری از قدرت در راستای منافع بشریت را مورد تأکید قرار می‌دهد و از این رهگذر بر ابعادی از واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی صحه می‌گذارد. از آنجا که تبیین این الگو نیازمند شناخت دو مکتب رئالیسم و ایده‌آلیسم است ابتدا نظریه‌های مزبور را تجزیه و تحلیل و سپس نظریه‌ی تلفیقی را ارائه می‌نماییم.

#### الف) الگوی واقع‌گرا در سیاست بین‌الملل:

الگوی رئالیستی که بر انگاره‌هایی از قبیل امنیت ملی، منافع ملی، اهداف ملی، موازنه‌ی قوا، ژئوپلتیک، ژئواستراتژی، توانایی و قدرت ملی، بده‌بستان دیپلماتیک<sup>۲</sup>، مرزهای ملی، دیپلماسی سری و سیاست قدرت<sup>۳</sup> تأکید دارد.<sup>(۱)</sup> می‌تواند از سه منظر بینش فکری و اصول نظری، نوع نگرش به ساختار نظام بین‌الملل و دیدگاه آن پیرامون کارکرد دولت در سیاست بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد:

#### ۱. بینش فکری و اصول نظری الگوی واقع‌گرا:

منظور بینش فکری، اصول حاکم بر دیدگاه واقع‌گرا پیرامون ذات بشر، نوع نگرش به سیاست و رابطه‌ی دولت - نظام بین‌الملل است که در زیر به تشریح آن می‌پردازیم:

۱-۱ براساس مکتب رئالیسم، انگیزه یا غریزه‌ی جنگ‌طلبی در نهاد بشر وجود دارد و

1. Institutionalism

2. Quid Pro quo

3. Real politik

بینش هابزی «انسان گرگ انسان است» بر ذات پلید، خودبین و خودخواه بشر صادق است. لذا با دیدگاه بدبینانه نسبت به سرشت انسان و با دیدگاه «جنگ همه علیه همه» به نوعی داروین‌گرای اجتماعی و بعد ستیزشی روابط بین‌الملل قایل می‌باشد.

۱-۲ دیدگاه رئالیستی، سیاست را هنر ممکن می‌داند که بر خردگرایی و عقلانیت<sup>۱</sup> و اثبات‌گرایی تجربی<sup>۲</sup> استوار است. یک دولت از آن لحاظ خردگراست که باید هم‌زمان و پیوسته در جهت ارتقای قدرت و منافع خود بکوشد و از آن لحاظ اثبات‌گرای تجربی است که سعی دارد با توجه به تجربیات و مفاهیم گذشته به تبیین دنیای کنونی اهتمام نماید.

۱-۳ دیدگاه واقع‌گرا در رابطه‌ی دولت- نظام بین‌الملل، بر نقش محوری دولت و ضرورت صیانت از ذات کشور به عنوان مهم‌ترین هدف اولیه و همیشگی نظام و تفکیک سیاست علیا<sup>۳</sup> از سیاست سفلی<sup>۴</sup> تأکید و با توجه به جنبه‌های خارجی امنیت ملی، بر جدایی سیاست داخلی از سیاست خارجی اذعان دارد.

۲. نوع نگرش به ساختار نظام بین‌المللی در مکتب رئالیسم:

در این دیدگاه نظام بین‌الملل به عنوان نظامی ناهمگن، ستیزشی و هرج و مرج آمیز تلقی می‌گردد که دولت‌ها در آن بازیگران مرکزی و برتر می‌باشند. لذا این مهم در دو بعد محیط بین‌الملل و نوع نگرش نسبت به دولت‌ها تشریح می‌گردد.

۲-۱ محیط بین‌الملل هرج و مرج آمیز:

در این دیدگاه محیط بین‌الملل از لحاظ روابط قدرتی در حال تغییر می‌باشد و به دلیل وجودی بی‌قانونی و بی‌قاعدگی در جهان و فقدان قطب مقتدری که بتواند بر اعضایش نظمی

- 
1. Rationalisme
  2. Empirical Positivism
  3. High Politics
  4. Low politics

تحمیل کند، نوعی آنارشیزم و هرج و مرج بر روابط بین‌الملل حاکم است.

## ۲-۲. بینش دولت - محور:

این دیدگاه دولت‌ها را به عنوان تنها بازیگران یا بازیگران برتر در روابط بین‌الملل مورد توجه قرار می‌دهد و خودگرایی مقدس<sup>۱</sup> دولت‌های ملی به عنوان واحدهای اصلی نظام بین‌الملل را مورد بازشناسی واقع می‌سازد و ضمن تأکید بر ناموزون و ناهمگن بودن منافع دولت‌ها بر ضرورت حفظ قدرت به صورت بالقوه و بهره‌گیری از آن به صورت بالفعل اهتمام می‌نماید.

## ۳. دیدگاه واقع‌گرای پیرامون کارکرد دولت در سیاست بین‌الملل:

دیدگاه رئالیستی ضمن تأکید بر کارکرد رقابت جویانه و مآلاً ستیزشی نظام بین‌الملل، بر دو اقدام دفاعی و تهاجمی برای تحقق ثبات و صلح بین‌المللی صحه می‌گذارد. لذا شایسته است پس از بررسی نگرش واقع‌گرا در خصوص کارکرد نظام بین‌الملل، سیاست خارجی یک دولت در چنین نظامی را مورد کنکاش قرار دهیم:

## ۱-۳ کارکرد رقابتی - ستیزشی نظام بین‌الملل:

این دیدگاه، روابط بین‌الملل را به معنای تنازع بقا، مناقشه و کشمکش و مبارزه برای دست‌یابی به قدرت در محیطی مملو از تنش و تعارض میان منافع و اهداف دولت‌ها می‌داند و بر این اعتقاد است که با توجه به فقدان تفاهم و هم‌سویی میان منافع و اهداف واحدهای سیاسی و با عنایت به توزیع نابرابر قدرت میان دولت‌ها، نوعی قانون جنگل و داروینسم بر نظام بین‌الملل حاکم می‌باشد، که در این صورت «توانمند، نجات یافته است».<sup>۲</sup>

1. Egoisme Sacre

2. Sauve Qui Peut

## ۲-۳ سیاست خارجی قهرآمیز:

دیدگاه رئالیستی، از آن لحاظ که امنیت را معادله‌ی جمع جبری صفر می‌داند، بر غیرقابل اجتناب بودن منازعه و مشروعیت و مفید بودن کاربرد زور، خشونت و جنگ به عنوان وسیله‌ی برای پیشبرد مقاصد سیاسی، نیل به اهداف ملی، ارتقای منافع ملی و تحکیم برتری دولت تأکید دارد و این مهم را راه حلی عمده برای تحقق صلح، نظم و ثبات بین‌المللی تلقی می‌نماید.

## ب) الگوی آرمان‌گرا در سیاست بین‌الملل:

الگوی آرمان‌گرایی که بر انگاره‌هایی از قبیل اخلاق‌گرایی، مسالمت‌جویی، صلح جهانی، ایدئواستراتژی، اهداف فراملی، انترناسیونالیسم، هنجارگرایی، نظم مبتنی بر اقتدار حقوقی و فشار متعادل افکار عمومی بین‌المللی، امنیت دسته‌جمعی، خلع سلاح و دیپلماسی آشکار تأکید دارد،<sup>(۲)</sup> می‌تواند در سه بعد بینش فکری و اصول نظری، نحوه‌ی نگرش به ساختار نظام بین‌الملل و دیدگاه آن راجع به کارکرد دولت در سیاست بین‌الملل مورد مذاق قرار گیرد:

### ۱. بینش فکری و اصول نظری الگوی آرمان‌گرا:

مکتب ایده‌آلیستی بر پاک بودن نهاد بشر، دیدگاه ضابطی و تجویزی و ارجحیت جامع جهانی بر دولت‌ها استوار است که شرح آن در پی می‌آید:

۱-۱ دیدگاه آرمان‌گرا، نسبت به نهاد بشر و طبیعت انسانی نگرش خوشبینانه دارد و اصول والای اخلاقی انسان را مورد توجه مضاعف قرار می‌دهد و در برابر حقوق وی، تکالیفی نیز برایش قایل است.

۱-۲ دیدگاه آرمان‌گرا ضمن آن که سیاست را هنر ضروریات یعنی صلح جهانی و

حکومت خوب می‌داند بر نگرشی ضابطی<sup>۱</sup> و تجویزی<sup>۲</sup> استوار است: ضابطی از آن لحاظ که به ایدئولوژی و اخلاقیات تأکید دارد و تجویزی از آن لحاظ که با الهام از آرمان‌ها و ارزش‌های حقیقی به تجویز راهکارهایی برای تحقق صلح جهانی اهتمام می‌نماید.

۱-۳ دیدگاه آرمان‌گرا در رابطه‌ی دولت-نظام جهانی بر اولویت جامعه‌ی بین‌الملل متشکل از دولت‌های دموکراتیک تأکید دارد و معتقد است در صورت نبود تهدید و وجود تأمین در سطح بین‌الملل است که امنیت داخلی تحقق می‌یابد. لذا امنیت منطق‌ه‌یی و بین‌المللی را همگام با امنیت ملی مورد تأکید قرار می‌دهد و بر پیوند دو مقوله‌ی سیاست داخلی در سیاست خارجی اذعان می‌نماید.

۲. نوع نگرش به ساختار نظام بین‌الملل در مکتب ایده‌آلیسم:

در این دیدگاه به جای نظام بین‌الملل، جامعه‌ی جهانی<sup>۳</sup> به تعبیر هدلی بال<sup>۴</sup> مورد تأکید قرار می‌گیرد که از همگنی، برخوردار و از ستیزش، عاری است. این جامعه‌ی ایده‌آل تیپ<sup>۵</sup> را می‌توان از دو منظر محیط‌بین‌الملل و بینش فراملی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد:

۱-۲ محیط بین‌الملل مسالمت‌آمیز و عاری از نیروهای گریز از مرکز:

در دیدگاه آرمان‌گرا، جامعه‌ی جهانی براساس هنجارها و فرآیندهای مشترک، حاکمیت قانون و حقوق بین‌الملل، اخلاق و موازنه‌ی حقوق نظامی همگن و مطلوب را به ارمغان می‌آورد که در آن از جنگ و ستیزش‌های خشونت‌آمیز پرهیز می‌گردد و صلح و ثبات، متکی بر نظم، اقتدار قانون برقرار می‌شود.

- 
1. Normative
  2. Prescriptive
  3. World Community
  4. Hedley Bull
  5. Ideal Type

## ۲-۲ نظریه‌ی فراملی:

دیدگاه آرمان‌گرا به سازماندهی مجدد زندگی بین‌المللی به شیوه‌ی ارادی براساس حقوق و سازمان‌های بین‌المللی، چندجانبه‌گرایی و انترناسیونالیسم اهتمام می‌نماید و معتقد است بهره‌گیری از نهادهای بین‌المللی، زمینه‌های رقابت و تنش را از بین می‌برد، اصول رفتار بین‌المللی همکاری جویانه را تسهیل می‌نماید و صلح بشری و امنیت جهانی را تحقق می‌بخشد. از این‌رو جامعه‌ی جهانی در مقایسه با دولت-ملت‌ها از اولویت برخوردار است.

## ۳. دیدگاه آرمان‌گرا پیرامون کارکرد دولت در سیاست بین‌المللی:

دیدگاه ایده‌آلیستی ضمن توجه به کارکرد صلح‌جویانه‌ی جامعه‌ی جهانی مبتنی بر نهادهای بین‌المللی، بر سیاست خارجی مسالمت‌آمیز و نظام پارلمانی تأکید می‌نماید که در این رابطه شایسته است کارکرد نظام بین‌الملل و نوع سیاست خارجی دولت-ملت‌ها مورد مذاقه قرار گیرد.

## ۱-۳. کارکرد صلح‌آمیز جامعه‌ی جهانی:

دیدگاه آرمان‌گرا بر این اعتقاد است که با توجه به افزایش ارتباط و وابستگی متقابل میان کشورها<sup>۱</sup>، امکان همگرایی و هماهنگی گسترده میان دولت‌ها و حل و فصل اختلاف‌ها از طریق مسالمت‌آمیز وجود دارد. لذا در صورت تسلط هنجارهایی بر جامعه‌ی بین‌الملل از قبیل غیرسودمند بودن کاربرد زور، کاهش جنگ‌افزار، عدم حمایت از متجاوز و خلع سلاح جهانی امکان تحقق صلح و ثبات در نظام بین‌الملل به وجود می‌آید.

## ۲-۳ سیاست خارجی مسالمت‌آمیز دولت-ملت‌ها:

دیدگاه آرمان‌گرا با تلقی امنیت به عنوان معادله‌ی با حاصل جمع‌گیری غیر صفر،

---

1. Interdependence

معتقد است در صورت تحقق جامعه‌ی جهانی فارغ از تهدید و ترس دولت‌ها از به خطر افتادن ارزش‌های حیاتی، دولت‌ها به روش‌های مسالمت‌آمیز برای نیل به اهداف مشروع خود متوسل می‌شوند و با کنار گذاشتن اختلاف‌ها و یا صرف‌نظر کردن از کاربرد زور در حل مناقشات، اراده‌ی خود را مبنی بر حمایت از دیپلماسی پیشگیرانه در راستای جلوگیری از گسترش دامنه‌ی بحران‌ها، جنگ‌ها، رقابت‌ها و مجادلات به منصفی ظهور می‌رسانند.

### الگوی «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» در سیاست بین‌الملل:

این الگو از آن لحاظ که تأثیر مستقیمی بر اهداف و منافع از یک سو و شیوه‌ها، ابزارها و روش‌ها از سوی دیگر در سیاست خارجی می‌گذارد، به نوعی تجلی بخش «نظریه‌ی وحدت در عین کثرت» است یعنی روش‌های متعدد در خدمت ارزشی واحد قرار می‌گیرند و اخلاق‌گرایی و قانون‌گذاری در راستای قدرت و منافع ملی واقع می‌شوند. این الگو که بر انگاره‌هایی از قبیل مصلحت‌اندیشی، امتزاج حقیقت و واقعیت، تلفیق ژئواستراتژی و ایدئواستراتژی، پیوند سیاست داخلی و سیاست خارجی، مذاکره و اقناع در عین انذار و ارباب، شیوه‌های مسالمت‌آمیز و قهرآمیز، ابزارهای جاذبه‌ی و دافعه‌ی، قدرت معنوی و مادی و ذهنی و عینی، اهداف ملی و فراملی، نهادگرایی و قاعده‌ی تدرج استوار است، می‌تواند از سه منظر بینش فکری و اصول نظری، نحوه‌ی نگرش به ساختار نظام بین‌الملل و دیدگاه آن راجع به کارکرد دولت-ملت در سیاست بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد:

#### ۱. بینش فکری و اصول نظری الگوی «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه»:

مکتب «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه»<sup>(۳)</sup> بر تمایز میان گزینه و فطرت در ذات بشر، سیاست به عنوان هنر ممکن کردن ضروریات و برهم‌کنشی دولت-ملت و نظام بین‌الملل تأکید دارد، به شرحی که می‌آید:

۱-۱ تمایز میان گزینه و فطرت در ذات بشر: انسان در عین آن که دارای فطرت پاک و خداگونه است، می‌تواند تحت تأثیر نفس اماره قرار گرفته و غرایز شهوانی و قدرت‌طلبی بر او



غالب گردد. لذا سرکشی نفس و جنگ‌طلبی در زمره‌ی غرایز منحرف شده از نهاد پاک بشری محسوب می‌گردند. این دیدگاه معتقد است روابط میان دولت‌ها اعم از آن‌که تفاهمی، رقابتی یا تخصصی باشد، ماهیتی بین‌خیر و شر دارد که هم نهادهای ملی و هم سازمان‌های بین‌المللی در متمایل کردن نظام بین‌الملل از شر به خیر و یا از بدتر به بد سهم عمده‌ی دارند. ۱-۲ سیاست به عنوان هنر ممکن کردن ضروریات<sup>۱</sup>: از آنجا که یک آرمان‌نیز به قدرت پشتیبان دارد، باید اخلاقیات و آرمان‌ها براساس ضوابط عقلی و شناخت شرایط ژئوپلتیک و درک محیط ملی و بین‌المللی، مورد پی‌گیری قرار گیرد. لذا علاوه بر آن‌که «جهان را آن‌گونه که باید باشد، باید ترسیم کرد آن را آن‌گونه که هست باید دید.» از این‌رو در عین تأکید بر جهان‌بینی آرمان‌گرا، اتخاذ سیاست‌های سنجیده و مبتنی بر احتیاط و چاره‌اندیشی از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد. یک آرمان‌گرای واقع‌بین، در عین تأکید بر توسل به شیوه‌ی منطقی و مسیر عقلایی و مشروع باید سود و زیان شیوه‌های به‌کار گرفته شده را مورد ارزیابی قرار دهد. نه آرمان‌گرایی اوتوپیاپی و نه واقع‌گرایی مطلق، هیچ‌کدام نمی‌تواند چاره‌ساز معضل سیاست‌های کلان یک کشور در عرصه‌ی روابط خارجی باشد. یک سیاستمدار واقع‌بین و آرمان‌گرا باید اهداف و آرمان‌های خود را با در نظر گرفتن واقعیت‌ها در جهت ایده‌آل‌های خود تعیین و برای دستیابی به آنها امکانات و محدودیت‌های به‌کارگیری ابزار و شیوه‌ها را خوب بشناسد.

او باید انتظار افت و خیزهای مستمر در بازی‌های سیاسی را داشته و ناکامی یک دوره را در فرصت دیگر جبران کند و با مصلحت‌گرایی، مدارا، میانه‌روی و سعی صدر امکانات لازم برای تحقق آرمان‌های ضروری جامعه‌ی جهانی یعنی صلح و اخلاقیات را فراهم سازد. یک آرمان‌گرای واقع‌بین باید ضمن کاربرد قوه‌ی عقل و تفکر و تدبیر و خروج از ساده‌اندیشی، راه‌کارهای لازم برای تحقق اخلاق‌گرایی و سایر راهبردهای ضابطی را مورد بازشناسی قرار دهد تا در تلفیق خردگرایی و هنجارگرایی توفیق یابد.

1. La Politique Estart de Rendre Possible Ce qui est Necessaire

۳-۱ بر هم‌کنشی دولت-ملت و نظام بین‌الملل: این دیدگاه معتقد است که به همان میزان که دولت-ملت‌ها می‌توانند در تحقق صلح در جامعه‌ی بین‌المللی کارساز باشند، هنجارهای رایج در نظام بین‌الملل نیز می‌توانند آرامش و ثبات بین‌المللی را به ارمغان آورند. از این‌رو، ضمن اذعان به پیوند سیاست داخلی و سیاست خارجی<sup>۱</sup>، بر این اقتصاد است که آرمان‌های صلح‌آمیز علاوه بر آن که باید در نظام بین‌الملل نهادینه گردند، باید در بطن جوامع نیز مورد باور قرار گرفته باشند. به عبارت دیگر رابطه‌ی متقابل مردم و حکومت و تحقق نظام اجتماعی مشارکت‌پذیر و کثرت‌گرا ضمن آن که موجب ثبات و استحکام در جامعه می‌گردند، موجبات تسهیل همکاری میان دولت‌ها در جامعه‌ی بین‌المللی را فراهم می‌آورند و همسویی فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی با قوانین بین‌المللی و بالعکس، نهادگرایی را در دو سطح خرد و کلان به منصفی ظهور می‌رساند و جامعه‌ی جهانی را به همزیستی مسالمت‌آمیز دولت-ملت‌ها سوق می‌دهد.

## ۲. نوع نگرش به ساختار نظام بین‌الملل از الگوی «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه»:

الگوی آرمان‌گرایی واقع‌بینانه بر ساختار همکاری جویانه‌ی روابط بین‌الملل اذعان دارد و معتقد است احترام متقابل و همکاری میان دولت‌ها راهکار مناسبی جهت تأمین صلح و امنیت جهانی است. در این رابطه ابتدا نگرش این الگو به محیط بین‌الملل و سپس بینش کنفدرالیستی آن مورد تبیین و پردازش قرار می‌گیرد:

### ۱-۲ محیط بین‌الملل مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز:

این دیدگاه بر این باور است که نه رقابت دایمی میان دولت‌های ملی و نه برچیدن مرزبندی کشورها در رسیدن به جامعه‌ی جهانی واحد، راه‌حل‌های اساسی برای تضمین ثبات بین‌المللی به شمار نمی‌آیند. از همکاری در محیط بین‌الملل براساس مذاکرات چندجانبه و

1. Linkage

اجرای هنجارها و فرآیندهای مشترک که در راستای منافع ملی تک‌تک دولت‌ها باشد، می‌تواند صلح، امنیت و عدالت را به ارمغان آورد. این دیدگاه گرچه نیل به صلح و آرامش براساس همزیستی مسالمت‌آمیز را به عنوان کمکی اساسی به بشریت مدنظر دارد اما توسل به جنگ و اعمال قدرت را برای دفاع از جان، مال، ناموس، آزادی و استقلال مردم یک کشور جایز می‌شمرد و تحمل<sup>۱</sup> نظام‌های مخالف با ایدئولوژی‌های گوناگون در کنار یک‌دیگر را اصلی اساسی در تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز در روابط بین‌الملل تلقی می‌نماید.

## ۲-۲. ینش کنفدرالیستی راجع به رابطه‌ی دولت- ملت و نظام بین‌الملل:

این دیدگاه که راه حل میانی بین نظم حقوقی و هرج و مرج را انتخاب نموده، براین اعتقاد است که باید نوعی تدرج در تحقق نوعی نظام جهان شمول را قایل شد. لذا نه مرزبندی میان دولت‌ها بر مبنای خودگرایی مقدس قابل قبول است و نه جهانی فارغ از مرزبندی‌های ملی مورد پذیرش می‌باشد. لذا راه حل وسط آن است که به نوعی کنفدرالیسم میان دولت- ملت‌ها قایل شد که به قانون اساسی واحد و اصول مشترک از قبیل عدالت، سعادت و یکتاپرستی اعتقاد داشته باشند. در این صورت نوعی تعدیل و تفاهم میان دولت- ملت‌ها براساس اصول حسن همجواری، مناسبات متقابل و مصلحت‌اندیشی تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر ضمن پذیرش دولت- ملت‌ها به عنوان راه حل کوتاه‌مدت و تحقق حکومتی عادلانه در سراسر گیتی در درازمدت، همکاری‌های منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی کنفدرالیسم به عنوان راه حل میان مدت مورد تأکید مضاعف قرار می‌گیرد.

## ۳. دیدگاه آرمان‌گرایی واقع‌بین پیرامون کارکرد دولت در سیاست بین‌الملل:

این دیدگاه ضمن توجه به ماهیت بینابینی (صلحجویانه‌ی توأم با کاربرد مشروع زور) نظام بین‌الملل، بر سیاست‌های همکاری‌جویانه به عنوان راه حلی میان اتحاد و مقابله تأکید

دارد. در این رابطه شایسته است کارکرد نظام بین‌الملل و نوع سیاست خارجی دولت-ملت‌ها مورد‌پردازش واقع شود:

### ۱-۳ کارکرد صلح‌جویانه - قهرآمیز نظام بین‌الملل:

این دیدگاه براین اعتقاد است که گرچه جنگ و نزاع میان دولت-ملت‌ها ممکن است نظام بین‌الملل را به سوی کارکردی ستیزشی سوق دهد اما پیروی جوامع از قانونمندی در درون و برون و اعتقاد آنان به ضرورت حفظ وضع موجود<sup>۱</sup> به عنوان ضرورت اولیه در عین تلاش برای ایجاد اصلاح یا رفرم نسبی در کارکرد نظام بین‌الملل، آنان را از مناقشه بر حذر می‌دارد.

به عبارت دیگر، ضرورت همزیستی و همکاری در جامعه‌ی مرکب از دولت‌ها و در نظامی قانونمند و مبتنی بر مشروعیت نظام دولت‌های ملی و در نهایت اجبارهای عملی برای همکاری از طریق نهادهای بین‌المللی و مبادلات مبتنی بر احترام متقابل و مذاکرات چندجانبه، موجب کاهش رقابت دولت‌ها می‌گردد و براساس قانون تسری افقی - عمودی<sup>۲</sup> همکاری میان دولت‌ها در سطح منطقه‌ی و فرامنطقه‌ی، همزیستی آنها در سطح بین‌المللی و صلح و ثبات جهانی را به ارمغان می‌آورد.

### ۲-۳ سیاست خارجی مصلحت‌گرا

این رویکرد موجب می‌شود که یک دولت-ملت در سیاست خارجی صبر و انتظار سازنده را پیشه‌ی خود سازد. به عبارت دیگر ضمن استعمار ستیزی و بیگانه‌هراسی، عملی مرتکب نشود که موجبات کاهش و جاهت و افزایش تبلیغ دیگران علیه وی را فراهم آورد. لذا ضمن هشیاری در سیاست‌های اعلامی و اعمالی و توجه به عواقب سیاسی، اخلاقی و انسانی اقدام‌های خود، سعی می‌کند تا برای نیل به آرمان درازمدت، به تشخیص اولویت‌ها با توجه به فرصت‌ها، مقدمات و محدودیت‌ها اهتمام نماید و مصالح جامعه‌ی ملی و جامعه‌ی جهانی را توأم مدنظر قرار دهد تا از این رهگذر در تحقق اراده‌ی جمعی برای صلح

1. Status Quo

2. Spill- Over

پایدار مساهمت داشته‌باشد.

## گفتار ۲- آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی(ره):

در بادی امر، با نگاهی به سیره‌ی عملی امام خمینی(ره)، می‌توان تلفیقی از آرمان‌گرایی و واقع‌بینی را در رویکرد آن امام بر سیاست خارجی مشاهده نمود. تأیید اقدام دانشجویان خط امام در تسخیر سفارت آمریکا، تأکید بر ضرورت جهاد در دفاع مقدس و تلقی آن به عنوان وظیفه و تکلیف همگان بدون توجه به نتایج آن، صدور فتوای قتل سلمان رشدی بدون واژه از پی‌آمد قطع روابط با اروپا، تأکید بر حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش و نیز اعلام روز قدس به عنوان روز جهانی مبارزه‌ی مستضعفین با مستکبرین برای رهایی بیت‌المقدس از چنگال غاصبان صهیونیست، حکایت از آرمان‌گرایی آن ابر مرد دارد و تأکید بر ضرورت دفاع از حدود و ثغور ایمان اسلامی به گونه‌یی که نباید تحت‌الشعاع حمایت از مسلمانان لبنان قرار گیرد و اعلام این که «راه قدس از کربلا می‌گذرد»، پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ با توجه به شرایط و اوضاع داخلی و بین‌المللی و مصالح جامعه‌ی اسلامی ایران، توییح ۹ نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی که در مورد ماجرای مک‌فارلین موسوم به ایران‌کنترا یا ایران گیت از وزیر امور خارجه وقت ایران سؤال نموده‌بودند و نیز تأکید بر ضرورت تجهیز به تمامی قوای مادی و معنوی و بهره‌گیری از توانایی تسلیحاتی و تبلیغاتی در مقابله با قدرت‌های استکباری نشان از واقع‌گرایی آن امام همام دارد. اما آنچه از تدبیر در اقوال و اعمال امام خمینی(ره) بر می‌آید آن است که ایشان آرمان‌گرایی واقع‌بین بودند و حتی در مواردی که به ظاهر حاکی از آرمان‌گرایی یا واقع‌گرایی ایشان است صبغه‌هایی از دو رویکرد ملاحظه می‌شود. حال با عنایت به این نکته، شاخص‌های آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در دیدگاه سیاست خارجی امام را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم که در این رابطه شایسته است بین بنیادهای نظری و اصول عملی در سیاست خارجی تمایز قایل شویم:

## الف) بنیادهای نظری اندیشه‌ی امام خمینی (ره) در سیاست خارجی:

در رابطه با اصول نظری سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره) می‌توان به پیوند سیاست داخلی و سیاست خارجی، تلفیق ژئواستراتژی و ایدئواستراتژی، عقل‌گرایی در عین اخلاق‌گرایی، استکبار ستیزی و تلفیق قدرت معنوی و قدرت مادی اشاره کرد. در زیر تشریح آن می‌آید:

### ۱. پیوند سیاست داخلی و سیاست خارجی:

امام خمینی (ره) ضمن تأکید بر پیوند درون و برون، وحدت کلمه در داخل را برای ارتقای ایستادگی در خارج حایز اهمیت می‌دانستند، همان‌گونه که کارکرد عادلانه‌ی نظام بین‌الملل را در حفظ مصالح ملی یک کشور مؤثر تلقی می‌کردند.

«دولت تنها نمی‌تواند که این جنگ را اداره کند، شما ملت هستید که در صحنه حاضرید و همین شما هستید که باید با دولت همکاری بکنید.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۵، ص ۹۳-۸۵)

«قوی باشید و پشت هم باشید، دولت و ملت باهم باشد، ملت پشتیبان دولت در امور باشد، دولت، خدمتگزار ملت باشد. شرکت بدهند مردم را در همه‌ی امور.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، ص ۶-۳)

با عنایت به این دیدگاه امام خمینی (ره) براین اعتقاد است که در صورت انقطاع میان ملت و حکومت، دولت‌های مسلمان تحت فشار ابرقدرت‌ها واقع می‌شوند:

«چرا مسلمین در همه جای دنیا تحت فشار حکومت‌ها و ابرقدرت‌ها هستند... مشکل

مسلمین، حکومت‌های مسلمین است.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۲، ص ۲۸۳-۲۷۸)

این دیدگاه اساسی، مصلحت‌گرایی را نیز در اندیشه‌ی امام خمینی (ره) تشکیل می‌دهد، آنجا که در ماجرای «ایران کتراه» نه تن از نمایندگان مجلس را با بیان «این تذهیبون» مورد عتاب قرار می‌دهند و می‌فرمایند:

«در یک هم چون مسأله‌ی مهمی که باید همه‌ی شما دست به هم بدهید و ثابت کنید

به دنیا که ما وحدت داریم، وحدت ما این طور شده است و در روزی که در هفته‌ی وحدت است چرا شما می‌خواهید تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید بین سران کشور تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید دو دستگی ایجاد کنید؟ چه شده است شما را به کجا دارید می‌روید؟ این تذهیبون؟... من امیدوارم که شما باز توجه کنید به مسایل... توجه کنید به خودتان، توجه کنید به قدرت خودتان، نشکنید این قدرت را.» (صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، ص ص ۵۲-۴۹)

## ۲. تلفیق ژئواستراتژی و ایدئواستراتژی

امام خمینی (ره) ضمن اذعان به ضرورت حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی، هم‌زمان بر حفظ کیان مملکت اسلامی تأکید داشتند. لذا در عین آن که بر حفظ اساس اسلام تأکید می‌کردند (و واجب شرعی است که از اسلام دفاع کنیم) (صحیفه‌ی نور، ج ۱۹، ص ص ۱۳۸-۱۳۵) بر دفاع از کشورهای اسلامی نیز پافشاری می‌نمودند. (و اگر غفلت شود... و با بسیج عمومی که به خواست خداوند متعال هیچ قدرتی نمی‌تواند با آن مقابله کند، مهیای دفاع از کشور اسلام نشود خود را و کشور خود را با دست خود به تیاهی کشانده است.)

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۱، ص ص ۲۷۶-۲۷۵)

امام خمینی (ره) با اذعان به این که منشأ قدرت مطلقه ذات لایزال باری تعالی است، تجهیز به قوای مادی و معنوی را در راستای هدف الهی ضروری می‌دانستند:

«مطمئن باشید که مرکز قدرت که خدای تعالی است نسبت به شما عنایت دارد.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۱، ص ص ۲۷۶-۲۷۵)

«منبع قدرت ملت ایران، اتکال به خداوند است.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۲، ص ص ۷۱-۶۷)

تلفیق دو پایه‌ی سیاست خارجی حکومت اسلامی یعنی حفظ اسلام و نیز مملکت اسلامی به عنوان امتزاج اسلامیت و ملیت نیز در واژه‌ی تکلیف‌مداری از دیدگاه امام خمینی (ره) خلاصه شده است. آنجا که می‌فرمایند:

«دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی امری است که موقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۲، ص ص ۴۹-۴۴)

ملی است.»

گرچه امام خمینی (ره) بر ضرورت تحکیم ایدئواستراتژی پافشاری داشتند اما ضمن توجه به حفظ اسلام در ایران به عنوان قطب جهان اسلام، بر دفاع از مملکت اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین اصل ضروری و اولیه تأکید می‌کردند:

«این الان یک تکلیف بسیار بزرگ است که از همه تکالیف بالاتر است: حفظ اسلام در ایران.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۷، ص ۲۲۴-۲۱۶)

«اگر اسلام در ایران تحقق پیدا کند... قهراً در ممالک دیگری هم خواهد رفت.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۸، ص ۱۰۳-۹۸)

با توجه به این دیدگاه است که امام خمینی (ره) حفظ کیان ایران را از اولی‌ترین واجبات بر می‌شمردند.

### ۳. امتزاج عقل‌گرایی و اخلاق‌گرایی:

امام خمینی (ره) ضمن آن که مردم و زمامداران حکومت اسلامی را به هشیاری و درایت فرا می‌خواند آنان را از انحراف از اصول اخلاقی برحذر می‌دارند. این دو پایه‌ی عمده در سیاست خارجی یعنی تبعیت از منطق عقل و ارزش‌های اخلاقی، نقش تبیین‌کننده‌ی در تحقق منافع ملی و اهداف آرمانی دارند.

از نظر امام خمینی (ره) اخلاق‌گرایی به معنای پایبندی به اصول فطری بشری و عرف مقبول بشریت است که کلیه‌ی ملت‌ها باید بر آن پایبند باشند.

«ماهیت زورگویی نداریم و نمی‌خواهیم تحمل کنیم.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۶، ص ۲۴۷-۲۴۲)  
«ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه آن مکتب خلاصه می‌شود در دو کلمه «لا تظلمون و لا تظلمون» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۴، ص ۶۸-۶۶)

«محتوای این انقلاب، اسلام و اخلاق اسلامی و اخلاق انسانی و تربیت انسان‌ها بر موازین انسانیت بوده است.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۴، ص ۴۵-۴۱)

«هیچ رژیم‌ی به اندازه‌ی اسلام پایبند اخلاق و ارزش‌های انسانی نیست.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۴، ص ۵۶-۵۲)



«قدرت اگر چنانچه به دست اشخاص غیرمذهب بیفتد خطر دارد.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۸، صص ۱۶۰-۱۵۵)

لذا، امام خمینی (ره) زمامداران سیاست خارجی ایران را به هشیاری و بیداری و بهره‌گیری از خرد در مقابل اقدام‌های فرصت‌طلبانه‌ی قدرت‌های بزرگ فرا می‌خوانند و اظهار می‌دارند:

«گرگ‌ها از اطراف نشست‌اند و فرصت‌طلبی می‌خواهند بکنند که همه‌ی ایران را ببلعند و شما باید که باید حفظ بکنید.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۸، صص ۱۳۲-۱۲۶)

امام خمینی (ره) ضمن توجه به هشیاری از افتادن غافلگیرانه در دام قدرت‌های بزرگ، مسلمانان را از ساده‌اندیشی برحذر می‌دارند و می‌فرمایند:

«این وظیفه‌ی اولیه‌ی ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صدازنیم که ای خواب رفتگان! ای غفلت زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ، منزل گرفته‌اند. برخیزید که این جا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم! سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، صص ۲۴۴-۲۲۷)

در این راستا، در ماجرای فراخوانی سفیران اروپایی از تهران به مناسبت صدور فتوای قتل سلمان رشدی از سوی امام خمینی (ره)، ایشان زمامداران حکومت اسلامی را به هشیاری به خروج از ساده‌اندیشی دعوت می‌کنند و اعلام می‌دارند:

«ضرورتی نیست که در چنین شرایطی ما به دنبال ایجاد روابط و مناسبات گسترده باشیم، چرا که دشمنان ممکن است تصور کنند که ما به وجود آنان چنان وابسته و علاقه‌مند شدیم که از کنار اهانت به معتقدات و مقدسات دینی خود ساکت و آرام می‌گذریم. آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خالی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و در نهایت انزوای کشور شده‌است و اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می‌گذارند. این یک نمونه است که خدا می‌خواست پس از انتشار کتاب

کفرآمیز آیات شیطانی در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریت چهره‌ی واقعی خود را در دشمنی دیرینه‌اش با اسلام بر ملا سازد تا ما از ساده‌اندیشی به درآییم و همه چیز را به حساب و اشتباه و سوء مدیریت و بی‌تجربگی نگذاریم و با تمام وجود درک کنیم که مسأله اشتباه ما نیست بلکه تعهد جهان‌خواران به ناسبودی اسلام و مسلمین است.» (صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، صص ۱۰۱-۸۸)

و در نهایت توجه می‌کنند که «با قدرت فکر و تصمیم، با قوی به پیش بروید که شما پیروزید.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۰، صص ۵۹-۵۵)

### استکبار ستیزی

امام خمینی (ره) بر مبنای آیه‌ی قرآنی «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» و اصل نفی سبیل، مبارزه با تمامی مظاهر استکبار اعم از استعمار و صهیونیسم را به مسلمانان توصیه و می‌فرماید:

«از اصول مهم است که مسلمین نباید تحت سلطه‌ی کفار باشند. خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار، سلطه بر مسلمین قرار نداده است و نباید مسلمین این سلطه‌ی کفار را قبول بکنند.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۶، صص ۴۰-۳۶)

«تکلیف ما این است که با ظلم‌ها مبارزه کنیم.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۲، صص ۹۳-۹۲)

«از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می‌خواهم تا با صبر و شکیبایی انقلابی و با قدرت و استقامت، در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است.» (صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، صص ۲۱۸-۲۱۷)

«خواست ملت... قطع دست اجانب از دخالت در مقدرات کشور و از غارتگری‌ها است.» (صحیفه‌ی نور، ج ۲، صص ۲۶۹-۲۶۸)

با عنایت به این بینش است که از پناه بردن به دامان یکی از قدرت‌های سلطه‌جو برای حفظ خود از شر قدرت سلطه‌جوی دیگر، مسلمانان را برحذر می‌دارند و با تأکید بر گرگ صنعتی ابرقدرت‌ها اظهار می‌دارند:

«مسلمین... دنبال این نباشند که در آغوش آن یکی برویم برای نگهداری ما از آن یکی، خیر، همه گرگ هستند و همه شما را می‌خورند. باید خودتان را حفظ کنید.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۲، صص ۲۷۷-۲۷۱)

## ۵. تلفیق قدرت معنوی و قدرت مادی:

امام خمینی (ره) تأکید بر خصایص روحی و معنوی قدرت به ویژه ابعاد ایدئولوژیک آن، بهره‌گیری از قدرت مادی به ویژه تسلیحاتی و تبلیغاتی را ضروری می‌دانستند و مصلحت جامعه‌ی اسلامی را در مجهز بودن به دو سلاح معنوی و مادی برمی‌شمردند. ایشان ضمن تأکید بر ضرورت تقویت مملکت اسلامی در همه‌ی ابعاد، اولویت را به قدرت روحانی می‌دادند و می‌فرمودند:

«ما می‌خواهیم که مملکت قوی باشد، ما می‌خواهیم که مملکت دارای یک نظام قدرتمند باشد.» (صحیفه‌ی نور، ج ۴، صص ۲۸۷-۲۸۱)

«اسلام است که می‌تواند روح ما را قوی کند و به تبع آن جسم ما هم قوی بشود.» (صحیفه‌ی نور، ج ۷، صص ۲۸-۲۶)

همان طوری که کوشش می‌کنید که جسمتان قوی باشد، کوشش کنید که روحتان قوی باشد. آن قوت روح و قوت ایمان بود که شما را غلبه داد بر جنود شیطانی بر طاغوت.» (صحیفه‌ی نور، ج ۷، صص ۲۵۶-۲۵۵)

این مادیات تابع آن معنویات است. این معنویات هرچه قوی بشود شما قوی‌تر خواهید شد.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۶، صص ۱۹۶-۱۸۸)

«آن قدرت روحی است که انسان را پیروز می‌کند، هرچه تجهیزاتشان زیاد باشد.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۱، صص ۶۴-۶۱)

«قدرت ایمان غلبه کرد بر این قدرت» (صحیفه‌ی نور، ج ۵، صص ۱۵۷-۱۵۵)

لذا ضمن این که حضرت امام بر تعیین‌کنندگی قدرت اشاره داشتند و می‌فرمودند: «و

ما اگر چنانچه قدرت داشته باشیم تمام مستکبرین را از بین خواهیم برد.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۲۲، ص ۲۱۸)

بر مرکزیت قدرت خداوند متعال به عنوان منشأ تمامی قدرت‌ها تأکید داشتند و آن قدرتی را اثربخش می‌دانستند که در راستای قدرت الهی و با الهام سرچشمه‌ی هستی اعمال گردد:

«شما که با قدرت الهی دارید حرکت می‌کنید، قدرتمندید. کم‌بودن اشکال ندارد. ایمان

قوی بودن مهم است.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۹، صص ۲-۱)

«مطمئن باشید که مرکز قدرت که خدای متعال است نسبت به شما عنایت دارد.

قدرت‌های دیگر پوشالی هستند. قدرت خداست که باقی است و خداست که وعده کرده است

اگر نصرت دهید او را، او شما را پیروزی کند.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۹، صص ۱۱۳-۱۱۲)

قدرت با توجه به خدای تبارک و تعالی و وحدت کلمه حاصل می‌شود.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۱، صص ۱۸۲-۱۸۱)

«منبع قدرت ملت ایران اتکال به خداوند است.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۲، صص ۷۱-۶۷)

### ب) اصول عملی در سیاست خارجی از دیدگاه امام خمینی (ره):

حال که نظرگاه امام راحل را پیرامون بنیادهای نظری سیاست خارجی دریافتیم،

شایسته است راهبردها و راهکارهای پیشنهادی از سوی ایشان برای تحقق آن اصول را مورد

مذاقه و اهتمام قرار دهیم. در این رابطه، حضرت امام بر سیاست‌هایی از قبیل صلح‌گرایی

نهادینه، همکاری متقابل، سیاست موازنه‌ی حقوقی- قدرتی، جواز کاربرد مشروع زور و

سیاست کنفدرالیستی وحدت جهان اسلام تأکید داشتند.

### ۱. سیاست صلح‌گرایی نهادینه:

امام خمینی (ره) معتقد بودند که اسلام، اصل را بر صلح‌طلبی قرار داده‌است اما تحقق

این مهم را بدون پیش‌بینی تمهیدات و سازوکارها و ضمانت‌های اجرایی لازم، مفید نمی‌داند

لذا در صورتی صلح‌گرایی می‌تواند منجر به تحقق صلح و ثبات پایدار در جهان باشد که

ملت‌ها به قراردادهای فیما بین و عرف بین‌المللی پایبند و بر ضرورت رعایت اصول و قواعد بشری التزام عملی داشته باشند. هم‌چنین امام خمینی (ره) بر این اعتقادند که صلح در صورت نفی خودخواهی و سرکشی‌های نفسانی و تحقق محیطی امن، پایدار می‌ماند لذا در صورتی که منشأ نزاع‌ها و اختلاف‌ها یعنی خودگرایی به خداگرایی جهت یابد بشریت روی صلح و آرامش و ثبات را در جهان خواهد دید:

«پیغمبر اکرم (ص) می‌خواست... یک خداخواهی در مردم ایجاد کند، توجه به نور ایجاد کند. اگر ایجاد بشود او، دیگر این همه نزاع‌هایی که در دنیا هست از بین می‌رود. اگر تمام انبیا جمع بشوند در یک محلی، هیچ وقت با هم نزاع نمی‌کنند. اگر اولیا و انبیا را شما فرض کنید که الآن بیایند در دنیا، هیچ وقت با هم نزاع نمی‌کنند. برای این که نزاع مال خودخواهی است، از نقطه‌ی نفس انسان پیدا می‌شود.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۱، صص ۸۴-۸۰)

«تمام این نزاع‌هایی که در عالم واقع می‌شود... تمام اینها از همین سرکشی نفس است.» (صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، صص ۹۰-۸۶)

امام خمینی (ره) با تأکید بر این که اسلام دین صلح‌طلب و آرامش‌جو می‌باشد بر ضرورت رعایت یک سلسله اصول و قواعد برای تحقق صلح پایدار تأکید می‌کنند و می‌فرمایند:

«اسلام می‌خواهد که همه در آرامش باشند، همه در صلاح باشند.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۸، صص ۲۴۷-۲۴۲)

«میل داریم که بین همه‌ی کشورها آرامش و صلح باشد.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۳، ص ۱۱۶)

«ملت‌های اسلامی... صلح‌جویی و زندگانی مسالمت‌آمیز را با تمام دولت‌ها و ملت‌ها

طالب می‌باشند.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۶، صص ۵۰-۴۵)

«امیدواریم که صلح جهانی بر پایه‌ی استقلال ملت‌ها و عدم مداخله در امور یک‌دیگر

و مراعات اصل حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه بناگردد.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۱، ص ۲۶۷)

با عنایت به این شروط است که در محیطی خصمانه و خصومت‌آمیز که صلح‌گرایی

نهادینه نشده‌باشد، بهره‌گیری از واژه‌ی مقدس صلح به عنوان مستمسکی در دست

ابرقدرت‌های جنگ افروز و سلطه‌جو قرار می‌گیرد. در چنین محیطی است که صلح پایدار تحقق نخواهد یافت و حکومت اسلامی باید برای تحقق محیطی صلحجویانه و عاری از تنش به از بین بردن تفوق‌جویان اقدام نماید.

در چنین محیط ناهمگن است که امام خمینی (ره) اظهار می‌دارند:  
«آنها (شیاطین) با اسم صلح دوستی، جنگ افروز اول جهانند.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۹، صص ۱۵۳-۱۵۰)

«مدعیان صلح‌طلبی و انسان‌دوستی با تمام توان سعی در افروختن آتش فتنه و جنگ در همه جا به خصوص در ایران می‌نمایند.»  
(صحیفه‌ی نور، ج ۱۹، صص ۱۱-۳)

لذا پیش شرط صلح پایدار آن است که محیطی هرج و مرج آمیز، خصمانه، ناهمگن و مبتنی بر سوءظن و عدم اعتماد بر روابط میان کشورها حاکم نباشد. از این‌روست که امام خمینی (ره) با سازمان‌های بین‌المللی که درصدد تحکیم جایگاه قدرت‌های جنگ‌افروز و تحمیل صلح مورد قبول قدرت‌های افزون‌خواه و سلطه‌طلب می‌باشد، به مخالفت برمی‌خیزند. ایشان فرمایند:

«شورای امنیت، در خدمت ابرقدرت‌ها هستند و برای بازی دادن سایر کشورهاست و لهذا برای خودشان و تو قرار می‌دهند و هر مطلبی مخالف با رأی خودشان است، کنار می‌گذارند و اصلاً خود آنها هم اساساً در خدمت ابرقدرت‌ها هستند.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۳، صص ۷۰-۶۸)

«ما در عصری زندگی می‌کنیم که مقدرات ملت‌های دریند مظلوم، به دست مشتی جنایت پیشه که خوی سبعت بر آنان غالب است، می‌باشد. دنیا در عصر ما و عصرهایی نظیر آن مبتلا به حکومت‌هایی بوده است که جز قانون جنگل در آن حکومت نمی‌کند. ما در عصری هستیم که جنایتکاران به جای توبیخ و تأدیب، تحسین و تأیید می‌شوند. در عصری به سر می‌بریم که سازمان‌های به اصطلاح حقوق بشر، نگهبان منافع ظالمانه ابرجنایتکاران و مدافع ستمکاری آنان و بستگان آنان هستند.»  
(صحیفه‌ی نور، ج ۱۸، صص ۲۴-۲۳)

از این‌رو صلح پایدار در صورتی تحقق خواهد یافت که سازمان‌های بین‌المللی در

راستای حقوق برابر ملت‌ها گام بردارند و از این رهگذر، نظامی قانونمند و همگن بر سراسر گیتی حکمفرما شود.

## ۲. همکاری متقابل:

امام خمینی (ره) بر حفظ صلح، امنیت و عدالت از طریق همکاری مبتنی بر احترام متقابل تأکید داشته و همزیستی مسالمت‌آمیز ملت‌ها بر مبنای تحمل عقاید یک‌دیگر و پایبندی به قراردادها را کمکی به بشریت در جهت نیل به آرامش می‌دانستند، چرا که التزام ملت‌ها به رعایت قواعد و نهادهای مشترک منطقه‌یی و بین‌المللی می‌تواند از ستیز میان دولت‌ها بکاهد و گفت‌وگو و منطق مکالمه، سوء تفاهم‌ها را مرتفع سازد.

لذا این سیاست که تلفیقی از جهان‌گرایی<sup>۱</sup> و منطقه‌گرایی<sup>۲</sup> محسوب می‌شود، بستر لازم برای سازواری و انطباق منافع ملت‌ها را فراهم می‌نماید. در این رابطه، امام خمینی (ره) ضمن تأکید بر پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیرمتخاصم، اساس روابط خارجی ایران را بر مبنای گفت‌وگو و احترام متقابل تلقی می‌کنند و می‌فرمایند:

«با همه‌ی ملل جهان براساس حفظ آزادی و استقلال کشور گفت‌وگو خواهیم کرد.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۳، صص ۳۰-۲۷)

«سیاست خارجی ایران با همه دولت‌ها بر حسب احترام متقابل است.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۴، صص ۲۳۰-۲۲۹)

«دولت آینده نسبت به همه‌ی دولت‌ها بیطرف خواهد بود و با تمام دولت‌ها به طور عادلانه رفتار می‌کند، مادامی که روابط متقابل حسنه باشد.» (صحیفه‌ی نور، ج ۴، صص ۲۰۱-۲۰۰)

«آنچه غایت تعلیمات اسلامی است همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان است.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۸، صص ۹۵-۸۷)

بر مبنای چنین دیدگاهی یعنی روابط متقابل است که امام خمینی (ره) نهادگرایی

---

1. Globalism

2. Regionalism

منطقه‌ی همکاری جویانه را مورد تأکید قرار می‌دهد و می‌فرماید:

«ما از دولت‌های منطقه می‌خواهیم که... با همسویی و همکاری جمهوری اسلامی، دست رد به سینه‌ی فتنه‌گران و جهانخواران زنند.» (صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، صص ۲۴-۱۶)

«ما صلاح تمام کشورها به ویژه کشورهای مجاور و منطقه را در این می‌دانیم که... با کشوری که با همه‌ی مسلمانان جهان می‌خواهد دست برادری دهد و اخوتی که خداوند عطا فرموده‌است به رسمیت بشناسد و جامه‌ی عمل پوشد، به طور مسالمت‌آمیز رفتار نمایند.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۶، صص ۱۰۳-۱۰۰)

«ما به این دولت‌های منطقه تذکر داده‌ایم که با شما نمی‌خواهیم بجنگیم، ما آن طور نیستیم که وقتی زور پیدا کردیم، با قلدری بخواهیم در یک کشور دیگری دخالت کنیم. ما در عین حالی که از قدرتمندترین دولت‌های منطقه هستیم... می‌خواهیم که با همه‌ی این کشورهای اسلامی و به خصوص اینهایی که در منطقه هستند... برادر باشیم.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۶، صص ۲۲۱)

### ۳. سیاست موازنه‌ی حقوقی - قدرتی

امام خمینی (ره) ضمن آن که به تجهیز قوای مادی اعم از تسلیحاتی و تبلیغاتی برای توازن قوا علیه قدرت‌های استکباری اعتقاد داشتند، سازوکارهای حقوقی لازم برای مهار قدرت‌های سلطه‌جو را نیز امری ضروری به حساب می‌آوردند. در این رابطه بیاناتی از حضرت امام بر تلیق موازنه‌ی حقوق و موازنه‌ی قوا اشعار دارد که در زیر می‌آید:

«در این موقع حساس که جمهوری اسلامی و اسلام عزیز مورد تهاجم تبلیغاتی رسانه‌های گروهی مرتبط با قدرت‌های بزرگ و وابستگان آنان قرار گرفته است... ما و شما و همه‌ی طرفداران اسلام برای حق خود، باید به این حربه‌ی برنده‌ی روز مجهز باشیم و چهره‌ی واقعی اسلام و جمهوری اسلامی را در داخل و بیشتر در خارج در معرض شناخت همگان در آوریم.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۶، صص ۲۲۱)

«اولاً نمی‌شود دیگر در دنیا با اعمال زور (بر ملت‌ها تسلط یافت)... ثانیاً قوای



ابرقدرت هم مقابل هم می‌ایستادند، این مواظب اوست، آن هم مواظب این است... از این جهت خداوند این طور ملت‌ها را... حفظ می‌کند که قدرت‌های بزرگ در مقابل هم بایستند و نتوانند هیچ کدام تعدی بکنند (اللهم اشغل الظالمین بالظالمین).» (صحیفه‌ی نور، ج ۸، صص ۱۹۲-۱۸۵) البته امام خمینی (ره) در مواردی بر ضرورت موازنه‌ی حقوقی تأکید داشتند و با تأکید بر خلع سلاح ابرقدرت‌ها براساس موازین بین‌المللی، آن را راهکاری مبتنی بر عقل و درایت می‌دانستند:

«تا خلع سلاح نشوند این اسلحه‌دارهای ناشایسته، کار بشر سرانجام پیدا نمی‌کند.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱، صص ۲۷۶-۲۶۷)

علاوه بر این به امام خمینی (ره) موازنه‌ی قوای مبتنی بر بازدارندگی اعلامی و اعمالی را مورد توجه خاص قرار می‌دادند و می‌فرمودند:

«توسعه و تکامل صنایع و ابزار مربوط به قدرت دفاعی کشور از اهداف اصولی و اولیه‌ی بازسازی است و ما با توجه به ماهیت انقلابمان در هر زمان و هر ساعت احتمال تجاوز را مجدداً از سوی ابرقدرت‌ها نوکرانشان باید جدی بگیریم.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۲۱، صص ۳۹-۳۶)

«مهیا شدنمان هم به طوری باشد که با این مهیا شدن بترسند آنهایی که خیال هجمه دارند، دشمنانتان بترسند از قوه‌ی شما.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۲، صص ۴۹-۴۴)

«بر طبق موازین کتاب و سنت، اعمال قدرت کنید.» (صحیفه‌ی نور، ج ۷، صص ۱۸۳-۱۷۹) از سوی دیگر، امام خمینی (ره) بر ضرورت توازن قوای مستضعفان در مقابله با مستکبران تأکید داشتند تا به تدریج زمینه‌ی غلبه‌ی مستضعفان بر مستکبران فراهم آید.

«از خداوند متعال غلبه‌ی مسلمین بر ابر قدرت‌های فاسد خواستار است.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۲، ص ۴۲)

#### ۴. جواز کاربرد مشروع زور

امام خمینی (ره) از یک سو استفاده از زور برای مبارزه با متجاوزان را جایز و ضروری می‌داند و از سوی دیگر استواری آن بر بنیادی شروع را مورد اهتمام قرار می‌دهند تا از این رهگذر نظم و صلح و ثبات در عرصه‌ی منطقه‌ی و بین‌المللی تحقق یابد که این مهم را امامراحل در چارچوب تکلیف مداری یعنی تلفیق مشروعیت و کاربرد زور مورد پردازش قرار داده‌اند:

«تکلیف اسلامی و میهنی شما اقتضا دارد که به سوی جبهه‌ها جوانمردانه هجوم آورید.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۶، صص ۲۲۵-۲۲۴)

«همه ما باید سعی کنیم که یک دست باشیم علیه دشمنان اسلام و مسلمین و به تکلیف الهی خودمان عمل کنیم.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۷، ص ۱۴۷)

«یک تکلیف عمومی هست و آن این که همه‌ی ما با همه‌ی قدرت و قوت که داریم سعی کنیم که این نهضت محفوظ بماند.» (صحیفه‌ی نور، ج ۶، صص ۱۸۰-۱۷۲)

«واجب است... (ملت عزیز و شجاع) با تمام نیرو و قدرت از خود دفاع نمایند.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۵، ص ۷۰)

#### ۵. سیاست کنفدرالیستی وحدت جهان اسلام

امام خمینی (ره) ضمن پذیرش مرزهای ملی موجود به عنوان ضرورت و ضمن اهتمام به تشکیل حکومت واحده‌ی جهانی صالحان به عنوان آرمان، سیاست بینابینی را براساس دو قاعده‌ی وسیع و تدریج مورد تأکید قرار می‌داند که در این رابطه وحدت جهان اسلام و پیروی آنها از ارزش‌های واحد به منظور گشودن جبهه‌ی ثالث در جهان را مورد عنایت خاص مبذول می‌داشتند:

«در حج مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند.» (صحیفه‌ی نور، ج ۲۰، صص ۲۴۴-۲۲۷)

«امروز که ما از طرف قدرت‌ها در خطر هستیم... باید منسجم باشیم زیرا اگر انسجام به

وجود آید هیچ قدرتی نمی‌تواند به شما زور بگوید.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۲، صص ۸۹-۸۷)  
«ما همه در صف واحد، در صف برادران دینی، برادران ایمانی برای آرمان‌های بزرگ اسلام باید کوشش کنیم و به پیش برویم.» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۱، صص ۶۶-۶۵)  
امام خمینی (ره) ضمن آگاه‌سازی مسلمانان به قدرت‌های بالقوه و بالفعل خود از قبیل کثرت جمعیتی عددی قریب به یک میلیارد، داشتن منابع و ذخیره‌های زیرزمینی بهره‌گیری از ملجأی چون حرمین شریفین و برخورداری از تعالیم حیات‌بخش قرآن کریم در سایه‌ی اعتصام به حبل‌الله، آنان را به عدم هراس و یا مقهوریت در برابر تبلیغات وسیع ابرقدرت‌های فرامی‌خوانند و با تأکید بر ضرورت وحدت کشورهای اسلامی و نقش تعیین‌کننده‌ی آن اظهار می‌دارند: «ما می‌خواهیم که یک میلیارد جمعیت دنیا این طور با هم متحد بشوند، اگر متحد بشوند نه قضیه‌ی قدس دیگری باقی می‌ماند و نه قضیه‌ی افغانستان.»

(صحیفه‌ی نور، ج ۱۳، صص ۴-۱)

لذا امام خمینی (ره) با تأکید بر سیاست وحدت میان دولت-ملت‌های اسلام، آن را مرحله‌ی واسطه‌ی تحقق است امت واحده‌ی جهانی و ظهور حضرت ولی عصر (عج) قلمداد می‌نمایند و از این رهگذر راه حلی بینابینی میان حاکمیت مطلق دولت‌ها و نفی حاکمیت دولت‌ها را به نام حاکمیت نسبی دولت-ملت‌ها تجویز می‌نمایند.

### نتیجه‌گیری:

با عنایت به آنچه گذشت، امام خمینی (ره) را می‌توان یک آرمان‌گرای واقع‌بین دانست که در عین اعتقاد به ضرورت اصلاح وضع موجود و تبیین حکومت جهانی مطلوب و مورد نظر خود، حفظ وضع موجود براساس نظامی قانونمند را به عنوان ضرورتی اولیه می‌پذیرفتند و با توجه به قایل شدن این ماهیت بینابینی برای ساختار و کارکرد نظام بین‌الملل، راهکارهایی را در سیاست خارجی برای تلفیق ایده‌آلیسم و رئالیسم فراروی زمامداران قرار می‌دادند. این مهم را در بعد نظری با پیوند سیاست داخلی و سیاست خارجی و تأثیرپذیری هرکدام از یک‌دیگر، امتزاج ژئواستراتژی و ایدئواستراتژی، تلفیق عقل‌گرایی و اخلاق‌گرایی،

مبارزه با سیطره‌جویی استکبار به منظور نضج قدرت‌های متوسط در جهان و تلفیق قدرت معنوی و قدرت مادی به منظور پرهیز از تکیه‌ی یک‌جانبه بر قوای قهرآمیز و وحشت‌زا مورد اهتمام قرار می‌داد و در بعد عملی بر سیاست صلح‌گرایی نهادینه، سیاست همکاری منطقه‌ی و فرامنطقه‌ی بر مبنای احترام متقابل و رعایت حقوق یک‌دیگر، سیاست موازنه‌ی حقوقی - قدرتی، کاربرد زور در صورت وجود محملی مشروع و وحدت جهان اسلام و اتحاد کشورهای اسلامی به عنوان سیاستی مابین خودگرایی مقدس دولت‌ها و جهان‌گرایی عاری از مرزهای ملی (که نوعی سیاست کنفدرالیستی یعنی پیروی دولت‌ها از مجموعه‌ی قوانین واحد، شفافیت مرزها و تحقق حاکمیت نسبی دولت - ملت‌ها تلقی می‌شود) تأکید مضاعف می‌نمود. لذا امتزاج آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در اندیشه‌ی سیاست خارجی اما در دو بعد محیط روانشناختی - ادراکی و محیط عینی - عملیاتی قابل تغییر می‌باشد که در این رابطه سیاست‌های اعمالی تجربی و اعلامی تجویزی، مدل مناسبی را فراروی دست‌اندرکاران سیاست خارجی ایران قرار می‌دهد.

### کتاب‌شناسی

1. Jean- Jacques Roche, The'ories des relations internationales, Paris, Montchrestion, 1994, pp 40-62
2. Voirs Philippe Braillard et Mohammad-Reza Djilili, Les Relations internationales (Queais-je no 2459), Paris, presses Universitaires de France (P.U.F.), 1990, PP 11-18.
3. نگاه کنید به: کاظمی سیدعلی اصغر، «آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی»، مجله‌ی سیاست خارجی، سال یازدهم، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۷۶، صص ۹۸۹-۱۰۰۰.